

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۴ جنوری ۲۰۱۹

جنبش مردمی "واسکت های زرد" پایه های نظام بورژوازی حاکم را به لرزه درآورد

اگرچه جنبش «واسکت های زرد»، که از اوائل اکتوبر ۲۰۱۸ در فرانسه با اعتراض به افزایش بهای سوخت آغاز گشت، ولی به مثابه جرقه های دامنه اعتراضات مردمی را در تمام این کشور شعله ور ساخت. در واقع این جنبش بیانگر خشم و مطالبات مردم است؛ شورش بینوایان علیه فلاکت و بدبختی است که نتولیرالیزم مسبب به وجود آمدن آن است. آش آنقدر شور است که شخص «مکرون» نیز در سخنرانی خود اعتراف می کند که «بسیاری از کشورها در حال گذار از زندگی و وضعیت بدی هستند و مردم فرانسه هم در آن گرفتار آمده اند». اما «مکرون» ریاکار نمی گوید که خود او یکی از مسئولین به وجود آمدن این «وضع بد مردم فرانسه است». او که در تبلیغات عوام فریبانه انتخاباتی اش در اوائل سال گذشته قول ایجاد بهشت برین را به مردم داده بود، خلاف آن حذف مالیات بر ثروت؛ تغییر قانون کار به نفع کارفرما؛ افزایش مالیات بر درآمد، که سنگینی عمده اش بر دوش اقشار و طبقات میانی و فرو دست جامعه سنگینی می کند؛ تسهیل اخراج کارگران به دست کارفرمایان؛ کمک های میلیاردی به شرکت های بزرگ، که قول «ایجاد فرصت شغلی» را داده بودند؛ کاهش بیمه های اجتماعی و بیکاری و بالاخره افزایش نرخ سوخت را به مردم تحمیل کرد و این آخری نقش جرقه در خرمین را ایفاء نمود و آتش مقابله و مقاومت را برافروخت.

سال هاست که بینوایان به حومه شهرها رانده شده اند؛ در آنجا بیکاری و فقر و بی دورنمائی شرایط بس انفجاری به وجود آورده است. «لگران»، نویسنده فرانسوی می گوید «اگر به میان جلیقه زردها به «نانت»، «بوردو» و یا پاریس و یا به میان جمعیت های انبوهی، که در هزاران ورودی اتوبان ها، میدان ها و یا چهارراه های جاده های اصلی جمع اند، بروید، خواهید دید که «کارین»، کارگر آرایشگاه، ۳۵ ساله، «لین» کارگر بازنشسته، ۶۸ ساله؛ «باستیان»، کشاورز ۲۸ ساله متاهل و پشیمانان از انتخاب مکرون ... به یک کلام خلق فرانسه حضور دارند». یکی از ویژگی های جنبش «واسکت های زرد» این است که بسیاری از آنها برای نخستین بار در زندگی شان در تظاهرات شرکت می کنند. هر چه زمان بیشتر می گذرد، مردم به حقانیت خواسته های مطرح شده در کف خیابان بیشتر پی می برند. ۷۰٪ مردم از «واسکت های زرد» حمایت می کنند. جنبش «واسکت های زرد»، که از ساکنین شهرهای کوچک و مناطق کشاورزی آغاز شد، به سرعت با مردم مناطق شهری، به ویژه کارگران و زحمتکشان پیوند خورد. زیرا دریافتند که منافع مشترکی دارند. آنها در میان طبقه حاکمه نماینده ای از خود نمی بینند. در جنبش «واسکت های زرد» از کارگران و کشاورزان گرفته تا

دانش‌آموزان و دانشجویان، بهیاران و پرستاران، کارمندان، راننده‌های کامیون، راننده‌های تاکسی... شرکت دارند. به قول یک خبرنگار: «مردمی که یک ۲۰ سنتی برایشان سرمایه زیادی است» طبیعی است که شعار "مالیات بیشتر، ثروتمند بیشتر، فقر بیشتری بیشتر" را سر می‌دهند. در حالی که اکثریت مردم باید مالیات بیشتر بدهند، سه هزار خانواده ثروتمند بیش از ۳ میلیارد یورو معافیت مالیاتی نصیبشان می‌شود. در نتیجه تظاهرکنندگان باید روی بیرق خود بنویسند: «بورژوازی عزیز می‌بخشید که ما مزاحمتان می‌شویم، ولی ما می‌خواهیم که همه مردم در کرامت و رفاه زندگی کنند!». تظاهرکنندگان مخالف ثروتمندتر شدن ثروتمندان هستند. تظاهرکنندگان می‌پرسند: «چرا مادری با داشتن ۳ فرزند و ۸۰۰ یورو درآمد باید مالیات پردازد؟» در چنین اوضاعی طبیعی است که افزایش قیمت سوخت مخالفت مضاعف ساکنین خانه‌های سازمانی در حاشیه شهرها را، که بدون وسیله نقلیه مستأصل خواهند بود، برانگیزد و سپس همه‌گیر شود. خواست‌های جنبش «واسکت های زرد»، که ابتداء با لغو افزایش قیمت سوخت آغاز شد، به سرعت دامنه‌ای بس وسیع‌تری به خود گرفت.

"کاهش مالیات عمومی/ملغی‌کردن افزایش قیمت سوخت/افزایش مالیات شرکت‌ها و دارایی‌های کلان/افزایش حقوق بازنشستگی/لغو قانون حذف کمک مسکن/لغو کاهش بیمه بیکاری/افزایش میزان حداقل دستمزد/قبول هزینه ایاب و ذهاب از جانب کارفرما/افزایش تعداد مدارس و بیمارستان‌ها/ترمیم اساسی خیابانها و جاده‌ها/لغو قانون کار جدید/دولتی‌کردن کنسرن‌های انرژی، که قبلاً خصوصی شده بودند/بهبود شرایط برای ادغام مهاجران در جامعه/استعفای مکرون، انحلال مجلس/برگزاری انتخابات، دموکراسی بیشتر."

از جمله خواست‌های جنبش اکتوبر مردم فرانسه‌اند.

مطالبات محقانه فوق، که در اثر اعمال سیاست‌های نئولیبرالی ۳۰ سال گذشته بورژوازی فرانسه از مردم دریغ شده‌اند، نشانه رشد آگاهی و مقاومت مردم فرانسه است. این خواست‌ها، که صدها هزار نفر در خیابان‌های فرانسه برای دستیابی به آنها به اعتراض برخاسته‌اند، در عین حال بیانگر رشد آگاهی و ارتقای سطح مبارزات مردم فرانسه علیه نظام نئولیبرالی حاکم نیز هست؛ علیه رئیس جمهوری است که به سود ثروتمندان و به زیان کارگران و زحمتکشان، کارمندان و اقشار فرودست عمل می‌کند. مردم عدالت اجتماعی و زیست محیطی را طالب هستند. آنچه مردم را به خیابان‌ها کشانیده و یا به خشونت واداشته است، نابرابری‌های فاحش اجتماعی و اقتصادی است. سقوط اقشار متوسط به فرودستی بیش از هر زمان شتاب گرفته است. بر خیل بینوایان روز به روز افزوده می‌گردد. خودکشی پیوسته رو به فزونی است. مردمی که در پایان ماه کمبودهای روزافزون را حس می‌کنند، مأیوس و ناامید از همه‌جا، راهی جز کف خیابان و فریادزدن بر سر دشمن طبقاتی خود و بعضاً اعمال خشونت پیش پا ندارند. در چشم بسیاری از ناظران، به ویژه مردم فرانسه آنقدر که خشونت و سرکوب پولیس فرانسه وحشتناک و خوفناک به نظر می‌آید، خرابی‌هایی که شورشیان به جای گذارده‌اند نمی‌آید.

از زمان دور دوم ریاست جمهوری میتران «سوسیالیست»، که همانند سوسیال دموکراسی آلمان به رهبری صدراعظم «شرودر» به نئولیبرالیسم روی آورد، تا سرکوزی و اولاند و اکنون مکرون، بیکاری و فقر در فرانسه روبه فزونی است. سوسیالیست‌ها ده‌ها سال است که با پیروی از سیاست نئولیبرالیسم آشکارا به کارگران و زحمتکشان پشت کرده‌اند و عملاً آنها را به سمت نیروهای محافظه‌کار و ناسیونالیست و نژادپرست سوق داده‌اند. این نیروهای ارتجاعی اقشار و طبقات مردم را با افکار ناسیونالیستی، فاشیستی، نژادپرستی، مذهب، بیگانه‌ستیزی و میهن‌پرستی افراطی مشغول داشته‌اند. فقدان یک حزب قدرتمند کمونیستی مانند حزب کمونیست پرافتخار فرانسه در عصر ستالین به چشم می‌خورد.

رویزیونیم خروشچفی جهان را به پرتگاه فاجعه کشانده است و با تغییر ماهیت بسیاری احزاب کمونیستی امروز میدان را برای سوء استفاده تبلیغات فاشیستی و ناسیونالیستی باز گذارده است.

از دوران تاجر و ریگان، که سیاست‌های نئولیبرالی؛ تهاجم خود را آغاز کردند، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به‌مثابه دو ابزار مهم سرمایه‌داری جهانی سیاست‌های ریاضت اقتصادی را، که ثمری جز کسب سود حداکثر در یکسو و سوق‌دادن کارگران و زحمتکشان به سمت فقر و نیز بدهکار شدن دولت‌ها به بانک‌ها به بار نیاورده است را به دولت‌ها حُقه کردند. اعمال سیاست‌های ریاضت اقتصادی نئولیبرالی در امریکا، اروپا و به طور کلی در نظام‌های سرمایه‌داری موجب گشته است تا ثروت در دست اقلیتی ناچیز متمرکز گردد و به عکس درآمد اکثریت مردم یا تقلیل یافته و یا در بهترین حالت ثابت مانده است. دستمزدها، مزایای اجتماعی، بیمه‌های درمانی و بیکاری در چهارچوب اعمال ریاضت اقتصادی مدام کاهش یافته است. در راستای جهانی شدن تولید سرمایه‌داری مراکز تولید از کشورهای متروپل به کشورهای در حال توسعه با نیروهای کار ارزان منتقل گشته و بر خیل ارتش بیکاران در کشورهای متروپل افزوده است. امروز مزد واقعی کارگران در اروپا و امریکا نسبت به ۲۰ سال پیش کمتر است. به قول نوام چامسکی "ابزار ضروری قدرت سیاسی آشکار است: «تمرکز ثروت به تمرکز قدرت سیاسی منتهی می‌گردد». بی جهت نیست که مکرون از دریافت مالیات از ثروتمندان با این استدلال، که این امر سبب خواهد شد تا ثروتمندان کشور را ترک کنند! سر باز می‌زنند.

از سوی دیگر کاهش درآمد اقشار و طبقات، گرانی، به ویژه گرانی مسکن، که در دست عده‌ای سوداگر متمرکز گشته است، افزایش مالیات غیر مستقیم و ... مدام قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد و موجب محرومیت‌ها و تنگناهای اجتماعی می‌شود. این همه منجر به پیدایش خشم، بغض و تحقیر نسبت به احزاب سیاسی که تاکنون در قدرت بوده‌اند شده و در نتیجه مردم براحتی در دام عوام‌فریبانه می‌افتند و عوام‌فریبان نیز با شوراندن مردم علیه مهاجران – همان مهاجرانی که بیش از دیگران مورد ستم سرمایه‌داری قرار گرفته‌اند، آنها را از مبارزات ضد سرمایه‌داری منحرف می‌سازند. جنبش «واسکت های زرد» به‌ویژه فرودستان بیش از همه دولت را متهم می‌سازند به این که روزبه روز بیشتر میان مردم و دولت جدائی می‌اندازد. مردم، مکرون را که می‌خواهد همانند یک پادشاه بر آنها حکم براند، رئیس جمهور ثروتمندان، فردی متکبر، از خود راضی و خودشیفته می‌دانند، که پیوسته از بالا و با بی‌احترامی، تحکم و تَبَخُّر به فرودستان می‌نگرد و با آنها سخن می‌گوید. جنبش «واسکت های زرد» تنها علیه شرایط نابسامان اقتصادی نیست، بلکه آنها در عین حال ضد خشونت علیه زنان، ضد خشونت بی‌بند و بار پولیس – که یکی از خشن‌ترین پولیس‌های اروپا به‌شمار می‌رود – بالاخره مخالف شرایط غیر قابل تحمل مسکن نیز هستند.

«مکرون» که از یکسو به شدت مورد غضب اکثریت مردم فرانسه قرار گرفته است و از سوی دیگر از پشتیبانی یک حزب قوی در پارلمان این کشور محروم است، بالاخره پس از آن که اعمال خشونت یک ماهه ماشین سرکوبش قادر به خاموش کردن مردم نشد، در خطابه‌ای مملو از تزویر و ریا، که مختص نمایندگان بورژوازی است، گفت که او «واسکت های زرد را درک می‌کند، خواست‌های آنان مشروع است». (انسان به یاد محمد رضا شاه می‌افتد که در اوج قیام بهمن [دلو] ۵۷ از طریق رسانه‌ها اعلام کرد که «مردم صدای انقلاب شما را شنیدم!!!) مکرون مکار سپس می‌افزاید: «اگر خشونت حاکم گردد، دموکراسی صدمه می‌بیند». غافل از این که مردم به این دموکراسی بورژوائی مکرون‌ها مدت‌هاست که پشت کرده‌اند. به باور خانم «شتل موف»، «مردم نمی‌دانند چرا باید بروند رأی بدهند» او معتقد است که غرب در عصر پساموکراسی به سر می‌برد، دوره‌ای که ناکارآمدی «دموکراسی نمایندگی» و بحران سیستم اقتصادی از سیاست نئولیبرالی نشأت می‌گیرد». برای نمونه، مکرون، که ماه مه سال گذشته با ۶۷٪ آراء به

ریاست جمهوری انتخاب شد، امروز در آخرین نظر سنجی تنها ۲۳٪ مردم جانبدار او هستند. مکرون در عین حال سالوسانه از مردم عذرخواهی می‌کند و اقرار می‌کند که «ما در یک و نیم سال گذشته نتوانستیم بر مشکلات غلبه کنیم و راه حل مناسب بیابیم!» او برای فرونشاندن آتش خشم مردم به برخی از خواست‌های آنان امروز به طور تاکتیکی تن‌داد تا فردا که جنبش فروکش کرد همه آنها را به لطایف‌الحیل پس بگیرد. متأسفانه عده‌ای به‌دام این مانور مکرون افتاده‌اند. حتی بسیاری از فعالان "واسکت های زرد" ترورهای اشتراک‌بوغ را زیر سر مکرون می‌دانند تا جهت مبارزه را تغییر دهد. مگر بورژواها از اعمال این سنت خرابکاری ابا داشتند. هرگز! تجربه آتش زدن رایش‌تاک در المان برای سرکوب کمونیستها نمونه بارز آن است. آنچه را که مکرون فعلاً به آن تن داده است چنین است:

"افزایش ۱۰۰ یورو به حداقل دستمزدها/پرداخت پاداش در پایان هر سال بدون کسر مالیات/معاف‌کردن دستمزد اضافه‌کاری کارگران از پرداخت مالیات/معافیت مالیات از حقوق ماهانه بازنشستگی کمتر از ۲۰۰۰ یورو."

اما «واسکت های زرد» عقب‌نشینی‌های مکرون را ناکافی می‌دانند و اعلام کرده‌اند که به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. مهم‌ترین ایراد آنها به مکرون این است که او هیچ‌گونه برنامه و راه حلی برای حل مشکل خیل عظیم بیکاری ارائه نکرده است. و البته ضعف جنبش "واسکت های زرد" در این است که رهبری متشکل کمونیستی ندارد و بدون رهبری جنبش تحلیل می‌رود و قادر نیست مداومت داشته و همه‌جانبه تحولات پدیده‌ها را ببیند و به موقع واکنش نشان دهد. جنبش «واسکت های زرد» دارای تشکیلات و برنامه و ستراتیژی مشخص نیست. «تشکیلات» آنها به طور عمده در دنیای مجازی خلاصه می‌شود. آنها حتی امکان انتخاب نماینده جهت مذاکره ندارند. فقدان یک ستاد فرماندهی، که قادر به متشکل‌کردن و سازماندهی کارگران در پیش‌برد امر مبارزه علیه بورژوازی امپریالیستی باشد، شدیداً احساس می‌شود؛ ستادی که امکان تدوین برنامه، ستراتیژی و تاکتیک مبارزه علیه نظام حاکم را دارا باشد، تا جنبش را به سمت پیروزی رهنمون گردد؛ ستادی که بتواند به این آرزوی کارگر ۷۰ ساله بازنشسته که می‌گوید: «از ۱۷۸۹ ما فرانسوی‌ها انقلاب‌های زیادی داشته‌ایم، از شر شاه خلاص شدیم، اما هنوز می‌جنگیم چون ثروتمندان هنوز در قدرت‌اند و نابرابری هنوز پابرجاست»، جامه عمل بپوشاند.

بر گرفته از توفان شماره ۲۲۷ بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۷ - فیروزی سال ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)